

## بسمی تعالی

### جریان‌شناسی فکری و فرهنگی تربیت معلم در ایران

#### چکیده

نهاد تعلیم و تربیت از جمله نهادهایی است که در زمینه تأثیرپذیری و حتی تأثیرگذاری بر جریان‌های اجتماعی، میدان گسترده‌ای را پیش رو می‌نهد. مناسبات تأثیری میان نهاد تربیتی با جریان‌های اجتماعی، گاهی مستقیم است ولی گاه با واسطه تغییرات و تحول‌های نهادهای دیگر، نظیر نهادهای سیاسی و اقتصادی جامعه، رخ می‌دهد. به عبارت دیگر، برخی جریان‌های اجتماعی، به طور مستقیم، سبب تحول و تغییر در نظام تربیتی می‌شوند و جریان تربیتی جدیدی را پدید می‌آورند یا جریان‌های پیشین را دامن می‌زنند. نظام تربیتی نیز، گاه مستقیم و گاه با واسطه، در پیدایش یا تشدید جریان‌های اجتماعی دخالت می‌نماید. بر این اساس، تحلیل جریان‌های تربیتی، فارغ از تحلیل جریان‌های اجتماعی و یا تحول‌های تاریخی، ناتمام است و جریان‌شناسی تربیتی، اگر با مطالعه جریان‌های اجتماعی و بررسی تحول‌های تاریخی، همراه گردد، از منظر تبیینی بهتری برخوردار خواهد بود. تحولات تاریخ معاصر ایران و جریان‌های اجتماعی مربوط به آن، برخلاف گوناگونی‌های بسیار و افت و خیزهای فراوان، در این جهت اشتراک دارند که همه این تغییرات در ذیل مواجهه یک تمدن بومی با یک تمدن وارداتی پدید آمده‌اند. ما در این جستار با روش کتابخانه‌ای، و تکیه بر منابع علمی و معتبر، در پی شناخت جریان‌ات موثر بر حوزه‌ی تربیت معلم و روند فراز و نشیب رشد آموزش و تعلیم بوده‌ایم.

**کلمات کلیدی:** جریان‌های فکری، تعلیم و آموزش، معلم، دارلمعلمین، اساسنامه آموزش

فعالیت‌های تربیت معلم گرچه پیشینه‌ای صدساله و بیشتر دارد، اما در تاریخ آموزش و پرورش و آموزش عالی کمتر فرصتی به تفکر، طرح نظر، گفتگو و تحقیق و پژوهش پیرامون آن اختصاص یافته است. دوام و بقای هر جامعه‌ای مستلزم آن است که اعضای جدیدی متولد و تربیت شوند، ضروریات حیاتی مردم تولید و توزیع شوند، نظم اجتماعی برقرار و محفوظ بماند و مردم احساس کنند که زندگی معنا و هدف دارد. ساختارهایی که جامعه از طریق آن‌ها به رفع این نیازهای اساسی می‌پردازد، «نهاد اجتماعی» نامیده می‌شوند. جریان‌های اجتماعی در پی یک سری عوامل تاریخی پدید می‌آیند و به دنبال تشدید همان عامل‌ها یا ورود عوامل جدید، اوج گرفته و سپس تثبیت یا حذف می‌گردند. جریان‌های اجتماعی نیز به موازات تغییرات تشدید خود، می‌توانند در نهادهای گوناگون آثار مختلفی بر جای گذارند و حتی موجب تشکیل فضاها و جریان‌های جدیدی را در این نهادهای اجتماعی شوند. بازخورد فضاها و جریان‌های ایجاد شده در درون نهادها، به صورت حلقه برگشتی، می‌تواند جریان‌های اجتماعی اولیه را تحت تأثیر قرار دهد و به تثبیت، تقویت یا تضعیف آنها کمک کند. جایگاه معلم و تربیت معلم در ایران جایگاهی رفیع و با اهمیت است و در مورد اینکه معلمی دارای جایگاه بسیار والایی است، هیچ شکی نیست و این مورد برای تمام مردم جامعه روشن و واضح است زیرا از معلم خویش درس‌های بسیاری گرفته‌اند.

### ۱\_ جریان‌های فکری تأثیرگذار در تعلیم و تربیت

نهاد تعلیم و تربیت از جمله نهادهایی است که در زمینه تأثیرپذیری و حتی تأثیرگذاری بر جریان‌های اجتماعی، میدان گسترده‌ای را پیش رو می‌نهد. مناسبات تأثیری میان نهاد تربیتی با جریان‌های اجتماعی، گاهی مستقیم است ولی گاه با واسطه تغییرات و تحول‌های نهادهای دیگر، نظیر نهادهای سیاسی و اقتصادی جامعه، رخ می‌دهد. به عبارت دیگر، برخی جریان‌های اجتماعی، به طور مستقیم، سبب تحول و تغییر در نظام تربیتی می‌شوند و جریان تربیتی جدیدی را پدید می‌آورند یا جریان‌های پیشین را دامن می‌زنند. ولی برخی جریان‌های اجتماعی، با ایجاد تحول سیاسی و اقتصادی در جامعه، به طور غیر مستقیم، نهاد تعلیم و تربیت را متأثر می‌سازند. همچنین نظام تربیتی نیز، گاه مستقیم و گاه با واسطه، در پیدایش یا تشدید جریان‌های اجتماعی دخالت می‌نماید. بر این اساس، تحلیل جریان‌های تربیتی، فارغ از تحلیل جریان‌های اجتماعی و یا تحول‌های تاریخی، ناتمام است و جریان‌شناسی تربیتی، اگر با مطالعه جریان‌های اجتماعی و بررسی تحول‌های تاریخی، همراه گردد، از منطق تبیینی بهتری برخوردار خواهد بود. تحولات تاریخ معاصر ایران و جریان‌های اجتماعی مربوط به آن، برخلاف گوناگونی‌های بسیار و افت و خیزهای فراوان، در این جهت اشتراک دارند که همه این تغییرات در ذیل مواجهه یک تمدن بومی با یک تمدن وارداتی (یا مهاجم) پدید آمده‌اند. جریان‌های اجتماعی سده اخیر، در ایران، در پی رویارویی اندیشه و تمدن اسلامی با اندیشه و تمدن مدرن، پدیدار گشته‌اند و به نوبه خود در نهادهای مختلف سیاسی، اقتصادی و فرهنگی، از جمله نهاد

تعلیم و تربیت، جریان‌های گوناگونی را پدید آورده‌اند. این جریان‌های مختلف فرهنگی سبب پیدایش بحث‌های دامنه‌داری در زمینه تعامل یا تقابل سنت و تجدد، علم و دین، اسلام و مدرنیته، تربیت دینی و تربیت سکولار شده‌اند که شاهد حضور یک چالش فرهنگی عمیق، در جامعه ایران، پس از مواجهه با غرب است. این چالش فرهنگی، در نهایت به جریان‌های مختلف تربیتی انجامیده است و باید در تحلیل و بازشناسی آنها لحاظ شود. (علم‌الهدی، ۱۳۸۱)

### ۱-۱ دوره اول جریان‌ات تربیتی ایران

دوره اول از ایران باستان آغاز می‌شود و تا دوره اسلامی ادامه دارد. در این دوره تربیت به طور کامل زیر پوشش نهاد کاهنان و موبدان قرار دارد. تعالیم ادیان باستان و آموزه‌های دین زرتشت، محور اصلی تربیت می‌باشند. حتی دانشگاه جندی‌شاپور، برخلاف نظام متفاوت و رشته‌های متنوعی که دارد، صورتی از یک دستگاه تربیت دینی باستان را نشان می‌دهد. در این دوره، دینی بودن تربیت اختصاص به ایران نداشته، بلکه در میان همه ملت‌ها و تمدن‌های باستان، وضع به همین صورت است. (علم‌الهدی، ۱۳۸۱) غالباً تصور می‌شود که آغاز آموزش عالی در ایران مربوط به قرن بیستم است ولی جای بسی شگفت است که بدانیم در ۲۵۰۰ سال قبل و در زمان هخامنشیان به دستور داریوش آموزش عالی و دانشکده‌هایی برای آموختن علوم مختلف نظری و عملی در میهن ما وجود داشته است. از جمله این مراکز آموزشی می‌توان از مراکز رها، نصیبین و به‌ویژه آکادمی جندی‌شاپور نام برد. (سلطانی، ۱۳۹۸)

اولین و رسمی‌ترین تعلیم و تربیت در ایران باستان آموزش دینی و اخلاقی بود که عمدتاً در مراکز مذهبی تعلیم داده می‌شد. مثلاً در دوره‌ی هخامنشیان در خانواده، آتشکده و آموزشگاه‌های درباری و در زمان ساسانیان، دبستان و دانشگاه‌ها هم بر آنها افزوده شد، زیرا می‌خواستند خدمتگزاران صدیق و لایقی برای اداره‌ی مملکت تربیت کنند تا بتوانند از صفات این افراد به نفع سلطه‌ی خود استفاده کنند. در ایران باستان منظور عمده تربیت این بود که کودک را عضو مفید جامعه بار آورند. اما آموزش و یا تعلیم و تربیت کودکان در این دوران فقط به خاندان سلطنتی، درباریان، مغان و بازرگانان اختصاص داشت و توده‌های مردم از این نعمت محروم بودند. (سلطانی، ۱۳۹۱)

متعلمان ایران باستان را می‌توان از چند نظر به ۳ گروه تقسیم کرد:

الف) دانش‌آموزان خاص (شاهزادگان و بزرگ زادگان)

ب) دانش‌آموزان حرفه‌ای (فرزندان مغان، موبدان، هیربدان، پیشه‌وران، اصناف، صنعتگران)

ج) دانش‌آموزان عمومی (آموزگاران و کارمندان)

این دانش‌آموزان به دو دسته‌ی پسران و دختران تقسیم می‌شدند. دختران در آموزشگاه‌های نظری، هنری و خانه‌داری تحصیل می‌کردند ولی غالباً مانند پسران سواری و چوگان بازی و استفاده از اسلحه را نیز می‌آموختند. با عنایت به تقسیم‌بندی تعلیم و تربیت کودکان به سه شیوه‌ی یاد شده، می‌توان نتیجه گرفت که

آموزش و پرورش به صورت گروهی و طبقاتی انجام می‌گرفت. بنابراین باید گفت منظور اساسی تعلیم و تربیت در ایران باستان به شرح زیر بوده است:

۱. آماده کردن کودک برای زندگی فردی و اجتماعی در آینده، بر پایه ی فرهنگ قومی و ارزشهای اجتماعی و آماده سازی‌های فرهنگی و آموزشکاری.

۲. پرورش شخصیت نوجوان (کودک سابق) و استعداد و قابلیت ذاتی او برای برخورداری جامعه از آن.

۳. کشف توانایی‌های نوجوانان و جوانان در آموختن پیشه و حرفه برای زیست شغلی و اقتصادی در جامعه. رفته رفته و با سلطه‌ی مقدونیان، در دوران‌های بعدی با رکود تعلیم و تربیت به شیوه‌های سنتی و ویران شدن آتشکده‌ها، از تعلیم موبدان جلوگیری شد. اما این بدان معنا نیست که عامل دین به عنوان یکی از عوامل تشکیل نظام طبقاتی ایران و موثر در تعلیم و تربیت به یکباره رنگ باخت چرا که در دوره‌های بعدی نیز این عامل و روحانیون از اعتبار و نفوذ بالایی برخوردار بودند. (سلطانی، ۱۳۹۱)

### ۱\_۲ دوره دوم جریان‌ات تربیتی ایران

دوره دوم، دوره اسلامی است که تا قرن ششم هجتم ادامه دارد. پس از گسترش تمدن اسلامی در ایران، جریان آموزش و تربیت به پیروی از تاریخ اسلام و تاریخ ایران، در اختیار نهادهای دینی و ارگان‌های مذهبی قرار گرفت. در این دوره، نهاد تعلیم و تربیت، هم از جهت توسعه مراکز تربیتی و هم از لحاظ ظهور نوابغ و دانشمندان بزرگی همچون رازی، بیرونی، فارابی، ابن سینا، غزالی، طوسی، سعدی، مولوی، حافظ و.... بالندگی بی‌نظیری داشته است. پس از دوره دوم، حدود شش قرن در فاصله قرن ششم تا دوازدهم تاریخ تعلیم و تربیت این مرز و بوم دچار رکود و حتی پس‌رفت، گردید. آشوب‌های محلی، تهاجم مغول‌ها، ناکارآمدی سلاطین، کشتار، تبعید و به بند کشیدن اندیشمندان، مهاجرت دانشمندان، کتاب‌سوزی‌ها و نابودی میراث علمی از جمله دلایل این توقف تاریخی بود. (علم‌الهدی، ۱۳۸۱) تعلیم و تربیت در ایران باستان دانش‌اندوزی و فراگیری ادب به منظور تصاحب صفات و کردار نیک بود تا فرد بتواند در اجتماع عضو مفیدی باشد. این سنت بعدها نیز در دوره‌های اسلامی گرامی ماند و دستورات قرآن که ضمن آن مقام معلم و دانش‌گرامی شمرده شده بود، سرمشق مسلمانان و الهام بخش آنان قرار گرفت. و نظام تعلیم و تربیت اسلامی به عنوان نمونه‌ای کامل و جامع از نظام‌های تعلیم و تربیتی در جامعه ایرانی اسلامی بکار گرفته شد. (دولت-دوست، ۱۳۹۸)

### ۱\_۳ دوره سوم جریان‌ات تربیتی ایران

دوره سوم از اواخر قرن دوازدهم و اوایل قرن سیزدهم، طی اولین رویارویی‌های ایران با غرب، آغاز می‌شود. البته سابقه مواجهه ایران با غرب، به عصر صفویه و پس از جنگ عثمانی با ایران، باز می‌گردد. آشنایی با غرب پس از صفویه، در دوران افشارها و زندیه، افت و خیزهای فراوان داشت ولی بالاخره در زمان حکومت ناصرالدین شاه قاجار گسترش یافت. در حقیقت، سرآغاز دوره سوم تاریخ تربیت ایران، آشنایی

ایران قاجاری با غرب مدرن است. در این زمان، میان طرفین مواجهه اختلاف سطح چشمگیری وجود داشت. در طرف غربی، شروع عصر روشن‌گری و ظهور نهضت‌های بسیار مهم اومانیسم، سیانتیسم، رفرمیسم و پیدایش استعمار نو، ویژگی‌هایی را برای جامعه اروپایی به ارمغان آورده بود که بسیار متفاوت از ویژگی‌های جامعه ایرانی بود. (علم‌الهدی، ۱۳۸۱)

### ۱\_۳\_۱ آخوندباجی‌ها

مکتب آخوندباجی‌ها: «آخوندباجی» یا «میرزا باجی» یا «ملا باجی» یا «خان باجی» و یا «شاه باجی» به خانم معلمی می‌گفتند که دانش مختصری داشت و بیشتر در زمینه‌های دینی بود. وظیفه آنان آموزش کودکان چهار تا هفت ساله بود. برخی از اینان واقعاً عالمه بودند. اما برخی دیگر که بیشترین این افراد را تشکیل می‌دادند، سواد و آگاهی‌های در حد آموزش خواندن قرآن داشتند. هدف از تعلیم در این مکتب‌خانه‌ها آشنایی مختصر با سوره‌های کوتاه قرآن و اخلاقیات و شریعات و الفباء بود. در این مکتب‌خانه‌ها نوشتن آموخته نمی‌شد و همه چیز شفاهی بود. (احمدی، ۱۳۹۱)

### ۱\_۳\_۲ مکتب‌خانه‌ها

در مکتب‌خانه‌ها اگر کودکان در مکتب آخوندباجی‌ها حروف الفبا را یاد نگرفته بودند، درس با آموزش الفبا شروع می‌شد. شیوه‌ی آموزش معلمان در اکثر مکتب‌خانه‌ها یکسان بود. اما با توجه به ویژگی‌های آموزشی هر مکتب داری، مختصر تفاوت‌هایی داشت. می‌توان گفت اصول کلی آموزش خواندن عبارت بود از: آموختن اسم حروف، نه صدای آن‌ها مثل: الف، ب... جیم... دال... میم. آشنا کردن شاگردان با حرکات، و تنوین ضوابط (شد، مد، وصل، قطع). خواندن حروف به عدد حرکات و تنوین، ترکیب حروف خوانده شده با همدیگر (البته اسم آن‌ها، نه صدای آن‌ها) و گفتن کلمه پس از آن هجی کردن کلمات و تجزیه‌ی آن‌ها به حروف با گفتن حرکات هر یک از حروف. (نصیری، ۱۴۰۰)

### ۱\_۳\_۳ دارالفنون

دارالفنون تهران، تأسیس نهاد آموزشی جدید حاصل اندیشه میرزاتقی خان امیرکبیر بود. دیدار وی از مراکز آموزشی روسیه و عثمانی و آشنایی با مراکز علمی غرب از طریق کتاب‌هایی که زیر نظر وی ترجمه می‌شدند، زمینه‌ساز تأسیس مدرسه‌ای به سبک جدید گردید. (رئیس‌نیا، ۱۳۹۳) با تأسیس دارالفنون و پذیرش نخستین داوطلبان به تحصیل که عمدتاً از فرزندان خانواده‌های دارای قدرت و نفوذ در جامعه آن روز ایران بودند، چرخ آموزش در سطوح عالی به گردش در آمد. دارالفنون اتفاقی بزرگی در نظام آموزش عالی ایران شد و گرچه بیشتر رشته‌های آن مربوط به علوم طبیعی، پزشکی و نظامی بود، اما نمی‌توان کتمان کرد که بسیاری از دانش آموختگان آن در سال‌های بعد توانستند به افرادی تاثیرگذار در فضای سیاسی و اجتماعی کشور تبدیل شوند. (بارند و همکاران، ۱۴۰۰) مدرسه دارالفنون را مبدأ شکل‌گیری نیازی جدی برای تربیت معلم به عنوان یکی از نهادهای تمدنی جدید در ایران می‌شناسد. تلاش برای تأمین معلم از طریق دعوت

از خارجی‌ها، اعزام افرادی خاص به فرنگ از زمان عباس میرزا که با عزمی راسختر دنبال شد، ادامه تأسیس مدارس در راستای پاسخگویی به نیازهای واقعی جامعه آن زمان و بسیاری موارد دیگر، همگی به ایجاد دغدغه‌ای واقعی برای تربیت معلم انجامید. تقریباً معلم و مدرسه تفکیک ناپذیرند و هر دو چنان به هم وابسته‌اند که مطالعه یکی، به شناخت دیگری وابسته است. (گویا و غلام‌آزاد، ۱۳۹۸) بدین ترتیب به همت امیرکبیر، سنگ بنای تعلیم خانه‌ای که «علوم و صنایع در آنجا تعلیم و تعلم شود» گذاشته شد. امیرکبیر، پیش از پایان ساخت مدرسه، جان داوود<sup>۱</sup> را برای استخدام معلم به اتریش فرستاد. او هفت معلم<sup>۲</sup> استخدام کرد. (رئیس‌نیا، ۱۳۹۳)

### ۱\_۳\_۴ سپاه دانش

یکی از نمونه‌های تربیت و به کارگیری معلم در دوران گذشته سپاه دانش بود که امروزه هم در کشور با عنوان «سرباز معلم» مطرح است. (ضمیری، ۱۴۰۰) چنین بود که اقدام جدی در زمینه مبارزه با بی‌سوادی در میان کودکان لازم‌التعلیم با ایجاد «سپاه دانش» سال ۱۳۴۱ محقق گردید. سپاهیان دانش، متشکل از جوانان دختر و پسر دبیرستان‌ها بودند که به صورت مأمور به وزارت آموزش و پرورش منتقل می‌شدند. آنها پس از کسب دانش به منظور تعلیم خواندن و نوشتن به کودکان روستائیان به روستاها اعزام می‌شدند. (رسته‌مقدم، ۱۴۰۰) افراد ذکور ایرانی برای گذراندن سربازی به جای پادگان در مدرسه به دانش‌آموزان آموزش می‌دهند. با این تفاوت که در گذشته از دیپلم وارد این عرصه می‌شدند ولی اکنون صرفاً با مدرک کارشناسی مجاز می‌شوند. (ضمیری، ۱۴۰۰) سپاهیان دانش در مناطق روستایی به عنوان چشم و گوش شاه عمل می‌کردند. نفوذ سپاهیان دانش در مناطق روستایی و تغییر بافت اجتماعی و فرهنگی این مناطق، منطبق با منافع حکومت پهلوی هدف پنهان دیگری برای اجرا در جامعه ایران بود. (وکیلی و براهویی، ۱۳۹۵)

تأسیس دانشسرا، در واقع، تلاش در راستای عملیاتی شدن اصل ششم «انقلاب سفید» یعنی «سپاه دانش» و از بین بردن بی‌سوادی در روستاها بود. هدف از ایجاد آن، تربیت راهنمایان تعلیماتی سپاه دانش (دوره‌های یکساله و دوساله) و تأمین نیروی انسانی آموزش و پرورش در رشته «آموزش ابتدایی» بود. (رسته‌مقدم، ۱۴۰۰)

### ۱\_۳\_۵ دانشسرای عالی

در سال ۱۳۳۸ پس از تلفیق دارالمعلم‌ها برای تأسیس دانشگاه تهران، بار دیگر دانشسرای عالی در سال ۱۳۵۳ تأسیس می‌شود که نخستین دانشگاه تربیت معلم به شکلی امروزی در کشور بود. البته پس از انقلاب در سال ۱۳۸۲ این دانشگاه مأموریت اصلی خود را تغییر داد و دیگر به تربیت معلم نپرداخت و مقدمه‌ای

<sup>۱</sup> مترجم وزارت خارجه

<sup>۲</sup> سه تن برای آموزش امور نظامی و چهار تن برای آموزش امور پزشکی، مهندسی و معدن

برای تأسیس دانشگاه خوارزمی شد. واحدهای آموزش عالی مانند دانشگاه حکیم سبزواری و دانشگاه کاشان از دل این تغییر کارکرد متولد شدند. (ضمیمه، ۱۴۰۰)

## ۲\_ تدابیر دولت برای جبران عقب‌ماندگی تربیتی

نیاز به آموزش دانش و فنون غربی، به ویژه در حوزه نظامی، از زمان مواجهه با غرب همواره وجود داشت. شکست‌های نظامی در برابر روسیه، عاملی تأثیرگذار در ترغیب دولت مردان قاجار برای رفع عقب‌ماندگی و کسب دانش و فنون جدید بود. از همین رو، در اوایل دوره قاجار، گروهی از جوانان به غرب فرستاده شدند و عده‌ای معلم خارجی نیز به استخدام دولت ایران درآمدند، اما این اقدامات پاسخگوی نیاز کشور و گام مؤثری برای رفع عقب‌ماندگی‌های آموزشی نبود. به همین سبب، امیرکبیر از همان آغاز صدارت در راه بر آوردن نیازهای فرهنگی جامعه گام برداشت. در این میان، خبر تأسیس دارالفنون در استانبول در ۱۲۶۳ نیز در اقدام وی بی‌تأثیر نبود. (رئیس‌نیا، ۱۳۹۳)

### ۲\_۱ تأسیس مؤسسات تمدنی غربی

پس از تأسیس «دارالفنون» در سال ۱۲۲۹ هجری شمسی و ایجاد و گسترش مدارس جدید از قبیل مشیریه، رشديه، ادیب، سادات، اسلام، اقدسیه، علمیه، کمالیه، مروت، سلطانی، شرف، دانش و ... نیاز به معلم برای تدریس در مدارس به ویژه معلمانی که با اصول تعلیم و تربیت جدید آشنا باشند به خوبی احساس می‌شد. اولین اقدام رسمی در زمینه تربیت معلم، تصویب قانونی در اردیبهشت ماه سال ۱۲۹۰ توسط مجلس شورای ملی بود. در این قانون اصول اولیه تربیت اطفال مطرح شده بود. طبق قانون مزبور برای اولین بار مجوز اعزام ۳۰ نفر جهت ادامه تحصیل به خارج از کشور صادر شد که از این تعداد ۱۵ نفر یعنی نیمی برای معلمی (رشته تعلیم و تربیت) و ۸ نفر برای تحصیل در علوم نظامی، ۷ نفر برای رشته مهندسی انتخاب شدند. در همین سال برای افزایش سطح سواد معلمان موجود در تهران کلاس‌های مخصوصی در مدرسه دارالفنون تشکیل گردید که در برنامه درسی آن علاوه بر دروس علوم و ادبیات، برای اولین بار دروس دیگری تحت عنوان «اصول تعلیم» افزوده شده بود تا معلمان از اصول اولیه برای تربیت اطفال مطلع گردند. (طالبی، ۱۳۹۴)

### ۲\_۲ پیدایش روزنامه

در روزگار قاجار روزنامه‌ها سهم بسزایی در بیداری اجتماعی و گسترش مدارس جدید داشتند. از همان آغاز پیدایش روزنامه، یعنی از سال ۱۲۵۳ ق، ۱۸۳۷ م، که نخستین روزنامه را میرزا صالح شیرازی در ایران انتشار داد، اغلب روزنامه‌نگاران برای آگاه‌سازی و گسترش اندیشه و فرهنگ نو در میان مردم پیوسته تلاش کردند. روزنامه‌های عهد قاجار، در عرصه‌های گوناگون اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی به روشنگری می‌پرداختند، و بسیاری از آنها ضمن بحث درباره موضوعات مختلف، از لزوم و ضرورت تأسیس مدارس جدید و اهمیت و تأثیر آن در پیشرفت اجتماعی، سخن گفته و از دستاوردهای کشورهای پیشرفته شاهد

می‌آوردند، تا انگیزه‌ای برای آگاهی و بیداری مردم باشد. در برخی موارد روزنامه‌ها، در مدارس چاپ و توزیع می‌شد و بیشتر نویسندگان یا مدیران و صاحبان جراید خود مدیر یا معلم و یا ناظم مدرسه بودند. نقش روزنامه‌ها در گسترش مدارس جدید پر واضح بود و چه بسا پا را فراتر از آن هم می‌نهادند. درباره روزنامه حبل‌المتین گفته‌اند: «روزنامه ملی حبل‌المتین یکی از پایه‌های کاخ مشروطیت و عامل مؤثر در پیدایش نهضت آزادی‌طلبی در ایران است. حبل‌المتین در تشویق مردم ایران به فرهنگ و تأسیس مدارس جدید تلاش بسیار به کار برد.» (شکوری، ۱۳۹۴) و نتیجه‌ی با اهمیت دیگر اعزام این دانشجویان، یعنی تأسیس چاپخانه در سال ۱۲۳۵ق/۱۸۱۹م و در پی آن، انتشار نخستین روزنامه‌ی فارسی در تهران، در سال ۱۲۵۳ق/۱۸۳۶م نیز به دست میرزا صالح صورت پذیرفت. پیامدهای نخستین کاروان معرفت به غرب در ایجاد چالش در نظام سنت، به همین جا ختم نشد و ابعاد دیگری هم یافت. ترجمه متون غربی به زبان فارسی یکی از مهم‌ترین ابعاد جدید مواجهه با تمدن غرب به شمار می‌رود که آن هم در آغاز، با نیتی سیاسی رخ داد، اما نتایج دیگری در پی داشت. (مینوی، ۱۳۳۲)

## ۲\_۳ اعزام محصل به کشورهای اروپایی

بحرانی که جنگ‌های ایران و روس در ساخت اجتماعی ایران به وجود آورد، زنجیره‌ای از شرایط پسینی را رقم زد که تحولات یک قرن بعد از آن تا جنبش مشروطه را تحت شعاع خود قرار داد. اعزام محصلین به غرب از نخستین پیامدهای فرهنگی این جنگ‌ها محسوب می‌شود. گرچه نیت عباس میرزا در اعزام این دانشجویان کسب دانش معطوف به نتیجه‌ی عملی علوم خاصی همچون شیمی، طب، مهندسی، توپخانه و... بود که منجر به تقویت قوای نظامی می‌شد. (۱۳۹۳) در سال ۱۳۳۰ هجری قمری نیز عباس میرزا پنج نفر دیگر را برای تحصیل به اروپا فرستاد. در زمان سلطنت نخستین شاه سلسله پهلوی مجدداً دولت نقش چشمگیری در اعزام محصل به خارج داشته ولی از سال ۱۳۲۰ هجری شمسی به بعد بخش خصوصی ابتدا با تانی و سپس به سرعت از بخش دولتی سبقت گرفته و عده محصلین ایرانی خارج از کشور در سال ۱۳۵۷ ه.ش که به این ترتیب اعزام شده بودند از محصلین اعزامی دولتی خیلی بیشتر بوده است. (سرمد، ۱۳۷۰)

## ۲\_۴ انقلاب مشروطیت و روند تربیت معلم در ایران

پس از انقلاب مشروطیت، اولین مجلس شورای ملی در ایران تشکیل شد و از همان ابتدا، دغدغه آموزش عمومی و توسعه آن، در دستور کار آن قرار گرفت تا اینکه در سال ۱۲۹۰ شمسی، قانون «تعلیمات اجباری» را به تصویب رساند. طبق این قانون و متممی که در قانون اساسی مشروطه بود، از سال ۱۲۹۴ دولت مکلف شد که بر تمام امور آموزشی از کودکان تا آموزش عالی، نظارت داشته باشد و زمینه را برای اجرایی کردن این قانون فراهم کند. این تکلیف نشان می‌دهد که از ابتدای تشکیل نهادهای آموزشی رسمی، نظام آموزشی ایران متمرکز پیش بینی شده بود. در سال ۱۲۳۹ شمسی، «وزارت علوم» در ایران تأسیس شد و علیقلی خان اعتضادالسلطنه، اولین وزیر علوم در ایران شد و اداره مدرسه دارالفنون به این وزارتخانه سپرده شد. (گویا و

غلام‌آزاد، ۱۳۹۸) پس از انقلاب مشروطیت مدارس رشد و گسترش نسبی یافت. این رشد در ولایات و ایالات گوناگون فراز و نشیب‌هایی داشت و با توجه به اوضاع اجتماعی و سیاسی هر منطقه پیوسته در فراز و فرود بود. مدارس جدید از مشروطه روز به روز رو به افزایش بود و علاوه بر تهران در ولایات دیگر، به ویژه در تبریز و دیگر شهرهای آذربایجان که مرکز نشر جنبش مشروطیت بود، مدارس تأسیس شد. در عرض پنج سال علاوه بر مدرسی که پیش از انقلاب موجود بود (حدود پانزده مدرسه) نزدیک بیست مدرسه فقط در تبریز تأسیس شد. (شکوری، ۱۳۹۴)

### ۳\_ گسترش جریان سکولار در تعلیم و تربیت ایران

جریان سکولار اولین جریان تربیتی است که پس از رویارویی با غرب در مجامع فرهنگی و به خصوص در نظام تربیت رسمی کشور، به طور گسترده‌ای نفوذ نمود. (طالبی، ۱۳۹۴) سکولاریسم علاوه بر حوزه سیاست در سایر نهادهای اجتماعی نیز اجرایی شد به این معنا که علاوه بر جدایی حکومت از دین این جدایی از دین در نهادهایی چون نظام تعلیم و تربیت نیز اعمال می‌گردد. (صمدی و عباسی، ۱۳۹۲) غلبه جریان سکولار بر نظام تربیت رسمی کشور موجب دگرگونی‌هایی در آن شد که از جمله می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

- \_توسعه و تأسیس مدرسه‌های مختلط.
- \_استخدام معلمان ناهمجنس با شاگردان.
- \_منع حجاب در برخی مدرسه‌ها یا بعضی رشته‌های دانشگاهی به خصوص رشته‌های پزشکی.
- \_کاهش تدریجی زمان و مواد درسی مربوط به آموزش‌های دینی.
- \_تغییر محتوای کتاب‌های دینی بدون توجه به آراء علما و بدون استفاده از نظرات اولیاً دین در تنظیم آنها
- \_غفلت از روش‌شناسی آموزش‌های دینی، عدم توجه به تربیت تخصصی آموزگاران مربوطه (در کنار تلاش گسترده برای تربیت تخصصی معلمان درس‌های ریاضی و علوم و...)
- \_بی‌رغبتی نسبت به اجرای مراسم مذهبی در مناسبت‌های خاص (همراه با اهتمام به انجام مراسم ملی و سیاسی همچون جشن تولد شاه و شاهزادگان و جشن‌های دو هزار و پانصد ساله و...)
- \_عدم لحاظ معیارهای اخلاقی مذهبی در گزینش معلمان و کارکنان آموزش و پرورش به خصوص کارکنان سطوح مدیریتی. (علم‌الهدی، ۱۳۸۱)

### ۴\_ روند شکل‌گیری تربیت معلم و تأسیس مدارس در ایران

#### ۴\_۱\_۱ کنشگران تعلیم و تربیت نوآور

دکتر فراستخواه<sup>۳</sup> بر این باور است که «غلبه امر سیاسی بر تعلیم و تربیت و انواع و اقسام موانع نمی‌گذارد تعلیم و تربیت تحول بیافریند» وی بیان می‌دارد «وقتی که تعلیم و تربیت، ابزار ایدئولوژی دولت شد، درمانده می‌شود». او راه چاره را در بازگشت به «کنش تعلیم و تربیتی» می‌بیند. وی سپس یک دسته‌بندی از نُه نسل «کنشگران تعلیم و تربیت نوآور» در ایران ارائه می‌دهد که می‌تواند راهنمایی ارزنده برای مطالعات تاریخی در حوزه مدرسه و تربیت معلم باشد. (گویا و غلام‌آزاد، ۱۳۹۸)

۱) نسل امیرکبیر: ۱۲۳۰، دارالفنون

۲) نسل رشدیه: ۱۲۶۶، جنبش مدرسه‌سازی ملی

۳) نسل احتشام‌السلطنه: ۱۲۸۶، آموزش فنی و حرفه‌ای

۴) نسل کمال‌الملک: آموزش هنر و مدرسه صنایع مستظرفه، ۱۲۹۵

۵) نسل ابوالحسن فروغی: جنبش تربیت معلم، ۱۲۹۷\_۱۲۹۸

۶) نسل عبدالعظیم قریب: تدوین دستور زبان فارسی (دوره مشروطه و پهلوی اول)

۷) نسل باغچه‌بان ۱۳۰۳: جنبش کودکانی و مدارس مختلط و ناشنوایان

۸) نسل هوشیار، رهنما، میرهادی: جنبش نهادسازی آموزش و ادبیات کودک در دهه ۳۰، ۴۰

۹) نسل بهمن بیگی: جنبش آموزش عشایری در دهه ۳۰

## ۲\_۴ دارالمعلمین

### ۱\_۲\_۴ نسل اول دارالمعلمین

اقدام مهم دیگری که در راه تربیت و تأمین معلمان مدارس ابتدایی و متوسطه صورت پذیرفت تصویب قانون تأسیس «دارالمعلمین مرکزی» (دارالمعلمین و دارالمعلمیات) در سال ۱۲۹۷ توسط مجلس شورای ملی بود. از این تاریخ ایجاد مراکز تربیت معلم زن و مرد صورت قانونی به خود گرفت. دارالمعلمین مرکزی مدرسه‌ای دولتی و رایگان بود و تحت نظر وزارت معارف اداره می‌شد رئیس آن توسط شخص وزیر انتخاب و منصوب می‌گردید. وظیفه آن تأمین معلم برای مدارس ابتدایی و دوره اول متوسطه بود. بنابراین به دو قسمت ابتدایی (تأمین معلم برای ۴ سال اول دوره ابتدایی) و عالی تأمین معلم برای سال پنجم و ششم ابتدایی و دوره اول متوسطه (تقسیم می‌گردید دوره تحصیل در قسمت ابتدایی سه سال (سال نظری و یکسال عملی) و در قسمت عالی چهارسال (۳ سال نظری و یکسال عملی) به طول می‌انجامید. (طالبی، ۱۳۹۴)

### ۲\_۲\_۴ نسل دوم دارالمعلمین

<sup>۳</sup> مقصود فراستخواه (متولد ۱۴ اردیبهشت ۱۳۳۵ در تبریز) جامعه‌شناس ایرانی و استاد برنامه ریزی توسعه آموزش عالی در مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی است.

دارالمعلمین مقدماتی، دومین نوع از دارالمعلمین های کشور بود که دانش‌آموزان زیادی در آن با آموزش و تربیت اختصاصی برای معلم شدن آماده می‌شدند. دارالمعلمین‌های مقدماتی اختصاصی مانند روستایی، عشایری. چند دارالمعلمین نیز اختصاصاً به تربیت اقشار خاص و محدودی از دانش‌آموزان ایران با اهداف اختصاصی و بومی محل زندگی خودشان می‌پرداختند، برای مثال دانش‌آموزان یک روستا یا یک اقلیت دینی خاص در این مدارس مقدماتی برای امور آینده مخصوص خود آموزش می‌دیدند. (ضمیری، ۱۴۰۰)

## ۵\_ اساسنامه‌های دانشسرای تربیت معلم

در فروردین ماه ۱۳۰۶ اساسنامه «دارالمعلمین شبانه اکابر» به تصویب شورای عالی معارف رسید. هدف از تأسیس این مراکز رفع نقایص تدریس معلمان ابتدایی بود و دوره تحصیل آن یکسال بود و در صورت عدم موفقیت معلمان در امتحانات آن، از شغل معلمی محروم می‌شدند. در مهرماه ۱۳۰۶ اساسنامه دوره تحصیلات فنی «دارالمعلمین ابتدایی ولایات و ایالات» به تصویب شورای عالی معارف رسید هدف از آن، تأمین معلمان مدارس ابتدایی استان‌ها و شهرهای ایران بود. متقاضیان شغل معلمی با مدرک دوره اول متوسطه وارد این مراکز شده و در صورتی که دوره یکساله را با موفقیت بگذرانند. به آنان «گواهی فارغ‌التحصیلی معلمی» اعطاء می‌شد. در سال ۱۳۰۷ قانون فرستادن دانشجو به خارج از کشور برای تحصیل در دانشگاه‌های معتبر اروپا به تصویب رسید به موجب این قانون، دولت موظف شد تا ۶ سال، هر سال صد نفر از میان فارغ‌التحصیلان دبیرستان‌ها انتخاب و به اروپا اعزام نماید. ۳۵٪ از این دانشجویان به موجب قانون بایست در رشته تعلیم و تربیت تحصیل کنند و برای معلمی آماده شوند. به منظور گسترش دبیرستان‌ها و تربیت و تأمین دبیران مورد نیاز آن در سال ۱۳۰۷ دارالمعلمین مرکزی به «دارالمعلمین عالی» تبدیل گردید و برنامه تربیت معلم متوسطه بنیانگذاری شد اساسنامه و برنامه دارالمعلمین عالی در سال ۱۳۰۸ به تصویب شورای عالی معارف رسید. دارالمعلمین عالی مشتمل بر دو قسمت علمی و ادبی بود که قسمت ادبی شامل رشته‌های فلسفی، ادبیات، تاریخ و جغرافیا و قسمت علمی شامل رشته‌های فیزیک، شیمی، طبیعیات و ریاضیات بود. دوره تحصیلات دارالمعلمین عالی ۳ سال در نظر گرفته شده بود و دارندگان گواهینامه کامل متوسطه رشته ادبی و علمی می‌توانستند در رشته ادبی یا علمی این مؤسسه برای تحصیل ثبت‌نام کنند. (طالبی، ۱۳۹۴)

دانشسرای عالی شامل دو بخش علمی و ادبی و یک شعبه علوم تربیتی بود و رشته‌های تحصیلی آن عبارت بودند از زبان و ادبیات فارسی، تاریخ و جغرافیا، علوم تربیتی و اجتماعی و فلسفه، زبان خارجه و علوم ریاضی، فیزیک، شیمی و علوم طبیعی. در شعبه علوم تربیتی، روان‌شناسی، علوم اجتماعی، فلسفه تربیت، اصول تعلیم و تربیت و تشکیلات معارفی، اصول تربیت معلم، تاریخ تعلیم و تربیت، و مبانی تعلیمات متوسطه تدریس می‌شد. پس از تأسیس دانشگاه تهران در ۱۳۱۳ش، آموزش بخش ادبی دانشسرای عالی به دانشکده ادبیات و بخش علمی آن به دانشکده علوم واگذار شد. از این پس، دانشسرای عالی استقلال خود

را از دست داد و زیر نظر دانشگاه تهران اداره می‌شد. در ۱۳۳۸ش، دانشسرای عالی تهران از دانشگاه تهران جدا شد و زیر نظر مستقیم وزارت فرهنگ قرار گرفت. طبق این قانون، رئیس دانشسرای عالی عضو دائم و رسمی شورای عالی فرهنگ شد. دانشسرای عالی افزون بر تربیت دبیر، مکلف گردید تا رشته‌های تعلیماتی مخصوص برای تربیت مدیران و بازرسان مدارس و سایر کارمندان تعلیماتی وزارت فرهنگ دایر کند و فارغ‌التحصیلان دانشسرای عالی موظف شدند پنج سال اول خدمت خود را در شهرستان‌های موردنظر وزارت فرهنگ بگذرانند. (حسینی‌ارسنجانی، ۱۳۹۷)

در سال ۱۳۲۷ به منظور تأمین و تربیت معلمان ورزش برای مدارس کشور، اساسنامه دانشسراهای تربیت بدنی به تصویب شورای عالی فرهنگ رسید و دانشسراهای تربیت بدنی تأسیس شد شرط ورود به این دانشسراها داشتن گواهینامه سوم متوسطه و دوران تحصیل آن ۲ سال تعیین شده بود. در سال ۱۳۲۸ برای تأمین آموزگاران دبستان‌های کشاورزی اساسنامه دانشسرای کشاورزی به تصویب رسید و پس از تشکیل ۷ باب دانشسرای کشاورزی و ۶ باب دانشسرای تربیت بدنی، فعالیت این دانشسراها عملاً از سال ۱۳۴۳ تعطیل گردید. در سال ۱۳۳۸ به منظور تأمین آموزگاران مورد نیاز دبستان‌های کشور دوره یکساله تربیت معلم تأسیس شد شرط ورود به این دوره داشتن دیپلم کامل متوسطه بود و به فارغ‌التحصیلان آن فوق دیپلم داده می‌شد با شروع کار سپاهیان دانش پسر در سال ۱۳۴۱، کلاس‌های تربیت معلم یکساله پسران تعطیل شد و با ایجاد برنامه سپاهیان دختر در سال ۱۳۴۷، دوره یکساله تربیت معلم منحل گردید. برابر مصوبه سال ۱۳۴۱ اساسنامه دوره تربیت معلم فنی و حرفه‌ای به تصویب شورای عالی فرهنگ رسید. هدف از این دوره تربیت معلمان مورد نیاز آموزشگاه‌های حرفه‌ای بود. در سال ۱۳۴۳ طبق اساسنامه مربوط «دانشسرای عالی صنعتی» تأسیس شد.

هدف از تأسیس این دانشسرا تربیت دبیران فنی در رشته‌های مختلف جهت تدریس در هنرستان‌ها بود. دانشسرای عالی صنعتی به تدریج تغییر هدف داد و به دانشگاه علم و صنعت تبدیل شد. در سال ۱۳۴۳ دانشسرای عالی که در سال ۱۳۱۲ تأسیس شده بود، منحل شد و به جای آن «سازمان تربیت معلم و تحقیقات تربیتی» به وجود آمد. این سازمان دارای سه مؤسسه: تربیت دبیر، تربیت مدیر و راهنمای تعلیماتی و مؤسسه تحقیقات و مطالعات تربیتی بود. در سال ۱۳۴۶ مجدداً دانشسرای عالی دایر شد و مؤسسه تدریس ریاضیات به سه مؤسسه قبلی افزوده شد و اختیارات آموزش و پرورش در مورد دانشسرای عالی به عهده وزارت علوم و آموزش عالی نهاده شد. در سال ۱۳۴۷ اساسنامه مرکز تربیت معلم کودکان استثنایی به تصویب شورای عالی آموزش و پرورش رسید. (طالبی، ۱۳۹۴)

#### ۷\_ جریان احیاگری دینی در حوزه تعلیم و تربیت

احیای دین یعنی تصحیح فهم دینی، تصحیح سیر و مسیر دین‌داری و رفتار دین‌داران. وگرنه دین هرگز نمی‌میرد. به تعبیر استاد مطهری «خورشید دین هرگز غروب نمی‌کند» که از نو طلوع کند. (رشاد، ۱۳۸۰)

مخالفت‌های جامعه دینی سنتی ایران با مظاهر غرب‌گرایی از یک سو، آشنایی تحصیل‌کردگان با نهضت‌های اجتماعی غرب از سوی دیگر، طبقه جدیدی از روشنفکران را به وجود آورد که برخلاف نسل اول روشنفکری سکولار، هم به ضرورت مدرنیزاسیون، اعتقاد راسخ داشتند و هم به تعارض بافت مذهبی سنتی جامعه ایران با مقتضیات مدرنیته، پی برده بودند. از این رو، این طبقه از روشنفکران جدید، خواستار اصلاح یا رفرمیسم مذهبی به‌عنوان پیش‌بنیاد تجدد در ایران گردیدند. نسل تازه ظهور یافته روشنفکری که جریان اصلاح‌گری را تشکیل می‌دادند، هم از طریق مطبوعات، کتاب‌ها و سخنرانی‌های سیاسی اجتماعی درخواست اصلاح دین را مطرح می‌نمودند و هم به طور غیرمستقیم، به جایگزینی عناصری از رویکرد اصلاحی به دین، در نظام تربیتی و همچنین، هنر مدرن، می‌پرداختند. جریان فکری اصلاح‌گری با نفوذ تدریجی و ناپیدای خود به فضاهای آموزشی به خصوص آموزش عالی، توانست دگرگونی‌هایی را در باورها و اعتقادات تحصیل‌کردگان ایجاد نماید و به معرفی دین مقبول بپردازد.

به دنبال گسترش این جریان، تفسیری از دین مورد قبول واقع شد که محدود به عرصه اخلاق فردی و مناسک مذهبی می‌باشد و در عین حال با اقتصاد، مدنیت، حقوق، سیاست، تجارت و حتی تربیت مدرن قابل جمع است. این تفسیر از دین با آداب و سنت‌های باستانی، هنر و فرهنگ کهن ایران تعارضی نداشته و به شرک منطقی در علم و تکنولوژی مدرن یا مسلک و مرام سیاسی فرهنگی غربی متعرض نمی‌شود. جریان اصلاح‌گری در حوزه تربیت دینی، الگوی بالاترین عامل مشترک را پیشنهاد می‌کند: این الگو شامل ارزش‌ها، نگرش‌ها و نقاط مورد علاقه ادیانی است که شمار زیادی از مردم آنها را قبول دارند. این الگو در شکل سنتی همان آموزش اخلاقی است. یعنی تشویق کردن دانش‌آموزان به کسب نگرش‌هایی مانند تعاون و عدالتخواهی که صبغه دینی آن اندک است ولی در جستجوی راهی است برای کاهش جرایم و کمک به استقرار یک جامعه با ثبات. (علم‌الهدی، ۱۳۸۱)

## ۶- جریانات معاصر در حیطه‌ی تعلیم و تربیت

جریانات جهانی آموزش و پرورش در قرن بیست‌ویکم را می‌توان ناشی از دیدگاه‌های نو به کارکردهای آموزشی و پرورشی دانست. این دیدگاه‌ها قطعاً رویکردهای متفاوتی را به مشکلات آموزش و پرورش ایران و توانمندی‌های آن اضافه و موضوعات گوناگونی را مطرح می‌سازند. مباحثی که هم در میان پژوهشگران و اندیشمندان آموزش و پرورش در سطح دانشگاه‌ها و مراکز پژوهشی مطرح می‌باشد و هم نظر کارشناسان آموزش و پرورش، معلمان، والدین و جامعه را به خود معطوف ساخته است. موضوعات و رویکردهای نوین، از تحولات علمی و فناوری‌های جدید، به‌ویژه IT و ITC نشأت می‌گیرند. در واقع همین تحولات زمینه را برای ظهور دیدگاه‌های نو هموار کرده و آنها را فراتر از مرزهای ملی، در چارچوبی جهانی مطرح می‌سازند. به علاوه آنها را از محدوده نخبگان و اندیشمندان جامعه خارج نموده و به صورت رویکردی

اجتماعی مطرح ساخته و مسئولیت‌ها و چالش‌های نوینی را فراسوی نظام‌های آموزش و پرورش ملی و از آن جمله ایران قرار می‌دهند. (صبوری خسروشاهی، ۱۳۸۹)

## نتیجه

جریان‌های اجتماعی سدهٔ اخیر، در ایران، در پی رویارویی اندیشه و تمدن اسلامی با اندیشه و تمدن مدرن، پدیدار گشته‌اند و به نوبهٔ خود در نهادهای مختلف سیاسی، اقتصادی و فرهنگی، از جمله نهاد تعلیم و تربیت، جریان‌های گوناگونی را پدید آورده‌اند. این جریان‌های مختلف فرهنگی سبب پیدایش بحث‌های دامنه‌داری در زمینهٔ تعامل یا تقابل سنت و تجدد، علم و دین، اسلام و مدرنیته، تربیت دینی و تربیت سکولار شده‌اند، که شاهد حضور یک چالش فرهنگی عمیق، در جامعهٔ ایران، پس از مواجهه با غرب است. این چالش فرهنگی، در نهایت به جریان‌های مختلف تربیتی انجامیده است و باید در تحلیل و بازشناسی آنها لحاظ شود. جریان‌های جهانی آموزش و پرورش در قرن بیست‌ویکم را می‌توان ناشی از دیدگاه‌های نو به کارکردهای آموزشی و پرورشی دانست. این دیدگاه‌ها قطعاً رویکردهای متفاوتی را به مشکلات آموزش و پرورش ایران و توانمندی‌های آن اضافه و موضوعات گوناگونی را مطرح می‌سازند. مباحثی که هم در میان پژوهشگران و اندیشمندان آموزش و پرورش در سطح دانشگاه‌ها و مراکز پژوهشی مطرح می‌باشد و هم نظر کارشناسان آموزش و پرورش، معلمان، والدین و جامعه را به خود معطوف ساخته است. نظام تربیتی نیز، گاه مستقیم و گاه با واسطه، در پیدایش یا تشدید جریان‌های اجتماعی دخالت می‌نماید. بر این اساس، تحلیل جریان‌های تربیتی، فارغ از تحلیل جریان‌های اجتماعی و یا تحولات تاریخی، ناتمام است و جریان‌شناسی تربیتی، اگر با مطالعهٔ جریان‌های اجتماعی و بررسی تحولات تاریخی، همراه گردد، از منطق تبیینی بهتری برخوردار خواهد بود. تحولات تاریخ معاصر ایران و جریان‌های اجتماعی مربوط به آن، برخلاف گوناگونی‌های بسیار و افت و خیزهای فراوان، در این جهت اشتراک دارند که همهٔ این تغییرات در ذیل مواجههٔ یک تمدن بومی با یک تمدن وارداتی پدید آمده‌اند.

## منابع

- ۱) احمدی، عزیزاله (۱۳۹۱) نهاد تعلیم و تربیت و آموزش در عصر قاجار، تعلیم و تربیت، ۲۴ مرداد ۹۱
- ۲) بارند عبدالی، فهیمه، گندمانی صادقی، اصفهانیان مقصودعلی، داود، (۱۴۰۰) نقش دارالفنون و دانش آموختگان آن در نهضت مشروطه، تاریخ (دانشگاه آزاد اسلامی واحد محلات) تابستان ۱۴۰۰، شماره ۶۱ رتبه علمی پژوهشی، صفحه از ۱۶۵ تا ۱۹۰
- ۳) علم‌الهدی، جمیله، ۱۳۸۱، جریان‌های فکری تأثیرگذار در «تعلیم و تربیت» معاصر ایران، کتاب نقد بهار ۱۳۸۱ شماره ۲۲، صص از ۱۰۹ تا ۱۳۲
- ۴) علی‌پور علیرضا توتکلهن، (۱۳۹۷) نقش تربیتی معلم از دیدگاه فلاسفه و مربیان بزرگ، بانک مقالات پژوهش، ۲۳ فروردین ۱۳۹۷
- ۵) جوان رضا، (۱۳۹۷) جامعه‌شناسی آموزش و پرورش، نشریه علوم اجتماعی، رشد و آموزش،
- ۶) رشاد علی‌اکبر، (۱۳۸۰) احیای دین و اصلاح دین‌داری، قبسات، ۱۳۸۰ شماره ۲۲
- ۷) رئیس‌نیا رحیم، (۱۳۹۳) دارالفنون، نام چند نهاد آموزش عالی به سبک جدید در ایران و عثمانی، دانشنامه جهان، بنیاد دایرة المعارف اسلامی اسلام
- ۸) رسته‌مقدم آرش، (۱۴۰۰) دبیرستان شاهرضا مشهد تا دانشسرای عالی سپاه دانش مامازن، نگاهی به زندگی و خدمات دکتر محمدمامیر بیرجندی، فصلنامه علمی پژوهشی مدیریت مدرسه دوره نهم، شماره اول، بهار ۱۴۰۰، صص ۳۷\_۳۹۹
- ۹) دولت‌دوست محمد، (۱۳۹۸) بررسی و مقایسه تعلیم و تربیت در اسلام و ایران باستان، هشتمین کنفرانس ملی روانشناسی، علوم تربیتی و اجتماعی
- ۱۰) کاظمی آنی، (۱۳۹۹) آموزش و پرورش در دوره قاجار چگونه بود، مجله تاریخ ما، ۹۹
- ۱۱) طالبی مهرداد، (۱۳۹۴) تاریخچه تربیت معلم در آموزش و پرورش
- ۱۲) صبوری خسروشاهی حبیب (۱۳۸۹) آموزش و پرورش در عصر جهانی شدن: چالش‌ها و راهبردهای مواجهه با آن، دوره ۱، شماره ۱، اسفند، ۱۳۸۹، صص ۱۵۳\_۱۹۶
- ۱۳) صمدی، پروین و عباسی، طاهره (۱۳۹۲) تعلیم و تربیت سکولار: تحول یا تهدید، چهارمین همایش انجمن فلسفه تعلیم و تربیت ایران، مشهد
- ۱۴) ضمیری حامد، (۱۴۰۰) تربیت معلم از دارالمعلمین تا دانشگاه فرهنگیان، فارس نیوز
- ۱۵) سلطانی رحمت‌آبادی، ابراهیم، (۱۳۹۱) تعلیم و تربیت در ایران باستان، سایت تاریخ، ۳ آبان ۹۱
- ۱۶) سلطانی بتول، (۱۳۹۸) آموزش و پرورش در ایران باستان، محله تاریخ رشد آموزش، ۲۸ بهمن ۹۸
- ۱۷) سرمد غلامعلی، (۱۳۷۰) اعزام محصل به خارج در دوره قاجار، وزارت علوم، تحقیقات و فناوری دانشگاه تهران
- ۱۸) شکوری، علیرضا (۱۳۹۴) نهاد تعلیم و تربیت و آموزش در عصر قاجار چگونه و تحت نظر چه نهادی بود، سایت نگین خلخال
- ۱۹) نصیری، مهدی (۱۴۰۰) نظام آموزشی مکتب خانه‌ای قاجار و پهلوی اول، کتاب حوزه شمار ۱۵۰
- ۲۰) مینوی مجتبی، (۱۳۳۲) «اولین کاروان معرفت ۲»، یغما، شهریور ۱۳۳۲، شماره ۶۳، ص ۲۳۵، سایت فرهنگ امروز

- (۲۱) (۱۳۹۳) ترجمه در عصر قاجار، برگرفته از سایت فرهنگ امروز، <https://www.farhangemrooz.com/news/>
- (۲۲) گویا زهرا، غلام‌آزاد سهیلا، (۱۳۹۸) دانشگاه فرهنگیان، صد سال تربیت رسمی معلم در ایران، آری! تداوم دارالمعلمین مرکزی، خیر، فصلنامه تعلیم و تربیت شماره ۱۳۸
- (۲۳) وکیلی هادی، براهویی ناهید، (۱۳۹۵) نشریه اسناد بهارستان پی‌پی ۹ پاییز و زمستان ۱۳۹۵، بررسی اهداف پیدا و پنهان تشکیل سپاه دانش